



کارت تبریک روز جهانی زن منتشر شده در ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون انتخابات شوراهای شهر و روستا

با شرکت فعال در انتخابات و رأی به نامزدهای مدافع آزادی، مردم سالاری و جامعه مدنی، ارتجاع حاکم، «ولی فقیه» و انصارش را با شکست دیگری روبه رو کنیم!

هم مهنان عزیز!

انتخابات شوراهای شهر و روستا، در جو ادامه فشار و خشونت سازمان یافته ارگان ها و نهادهای ارتجاعی، وابسته به نیروهای مدافع «ذوب در ولایت»، روز جمعه هفتم اسفندماه برگزار خواهد شد. ارتجاع حاکم، «ولی فقیه» و انصارش، از همان آغاز مصمم بودند که با بهره جویی از تمامی اهرم های «قانونی»، از جمله به انحصار درآوردن هیأت های نظارت بر انتخابات، اجازه ندهند تا انتخابات شوراهای شهر و روستا در محیطی سالم برگزار شده و شوراهای واقعاً مردمی تشکیل گردند. تلاش برای حذف بسیاری از چهره های مردمی و

ادامه در صفحه ۷

پیام دومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به

مردم ایران در صفحه ۲ و ۳

قطعه نامه های دومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده

ایران در صفحه ۴ و ۵

فرخنده باد، هشتم

مارس، روز

همبستگی

رزمجویانه زنان

جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

در صفحه ۶

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۵۲، دوره هشتم

سال پانزدهم، ۱۱ اسفند ۱۳۷۷

انتخابات شوراهای پیروزی بزرگ جنبش

مردمی بر ضد رژیم «ولایت فقیه»

انتخاب نامزدهای مستقل، رد صلاحیت شده های متهم به ضدیت با «ولایت فقیه» و «قیام علیه نظام»، و انبوه نامزدهای زن، پاسخ روشن و قاطع مردم به ارتجاع و استبداد حاکم

هفتم اسفندماه ۱۳۷۷، باردیگر میلیون ها نفر از هم وطنان ما، در یک حرکت تاریخی، به پای صندوق های رأی رفتند، و با وجود همه ترندها و توطئه های مرتجعان حاکم، با وجود ادامه جو ترور و اختناق و با وجود بورش نیروهای مزدور و جاقو کش «ولی فقیه» و انصارش، به نامزدهای مستقل و ستادهای انتخاباتی غیر «خودی»، شکست سنگینی را نصیب رژیم «ولایت فقیه» کردند. ابعاد شکست نامزدهای «ذوب شده در ولایت»، و مقایسه حضور مردم در این انتخابات با انتخابات مجلس خبرگان رهبری، که «ولی فقیه» آن را مهم ترین مجلس «نظام» اعلام کرده بود، بار دیگر نشان داد که انبوه میلیونی توده ها خواهان پایان استبداد حاکم و حرکت به سمت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی اند. در تهران، نامزدیایی که از سوی موحدی ساوجی به ضدیت با «ولایت فقیه» و «نظام» متهم و توسط او رد صلاحیت شده بودند، با کسب بیشترین آراء توانستند شکست سنگینی را بر مدافعان رژیم استبدادی وارد آورند. رأی نیاوردن حتی یک نفر از نامزدهایی که کیهان چاپ ایران از آنان به عنوان «نامزد های اصول گرا» نام برده بود، در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر ابعاد شکست خفت بار مرتجعان را بیش از پیش به نمایش گذاشت. نکته دیگر در این حرکت تاریخی و درخشان، پیروزی چشمگیر نامزدهای مستقل زن از بسیاری از شهرها و شهرستان های کشور بود، که در تاریخ معاصر مین ما بی سابقه است. بر اساس آخرین گزارش ها از ستاد مرکزی انتخابات، نامزدهای زن، در بسیاری از شهرها از جمله در تهران، آبادان، شیراز، اصفهان، نقده، فومن، شهرکرد، چالوس، رضوانشهر، دیواندره، ابهر، خرمدره، بندر امام، ماهشهر، ایلام، لنگرود، پاکدشت، خرم آباد، بیجار، ساوه، سقز، خرمشهر، مبارکه، رودبار، اندیشک، مسجد سلیمان، و زنجان، در رده اول تا سوم قرار گرفتند و به عنوان نماینده های اصلی انتخاب شدند. همچنین بر پایه گزارش رئیس ستاد انتخابات در استان سمنان، ده نماینده زن، به عنوان اعضای شورای شهر، در این استان انتخاب شدند. افزون بر این پیروزی چشمگیر، فرماندار بهار استان همدان اعلام کرد که در هر سه شهر تابعه بهار، زنان اکثریت آراء را به خود اختصاص داده اند.

روزنامه کیهان، ارگان چماق داران و «ولی فقیه» و انصارش، در سرمقاله روز یکشنبه، نهم اسفندماه، ضمن ابراز ناخرسندی از روند برگزاری انتخابات شوراهای شهر، شرکت نامزدهای «غیر

ادامه در صفحه ۵

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

پیام پلنوم (وسیج) کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران

هم میهنان زحمتکش و مبارز!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین دروهای رزمجویانه خود را به شما مردم شریف و مبارز میهن مان، که در شرایط فوق العاده دشوار فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به پیکارتان بر ضد رژیم ارتجاعی، استبدادی «ولایت فقیه» ادامه می دهید، تقدیم می دارد، و امیدوار است که دیری نباید تا جنبش مردمی روزه رشد میهن ما سد استبداد را درهم کوبیده و راه را برای تحولات به سمت آزادی و عدالت اجتماعی بگشاید. بیست سال پس از انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، که شما در جریان آن با فداکاری های کم نظیر و مبارزه قهرمانانه، رژیم سلطنتی را سرنگون کردید، هنوز همه خواست ها و آرمان های انقلاب، از جمله آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی همچنان تحقق نایافته مانده است، و سران رژیم «ولایت فقیه» با زیر پا گذاشتن قول هایی که داده بودند و با خیانت به آرمان های انقلاب، میهن ما را از یک امکان تاریخی بزرگ در تحقق تحولات بنیادین، برای برپایی کشوری آزاد، مستقل و پیشرفته محروم کردند. بیست سال پس از انقلاب بهمن ۵۷، کارنامه حکومت جمهوری اسلامی، کارنامه یک حکومت ورشکسته، ضد مردمی و ضد ملی است که با تکیه بر سرنیزه و سرکوب به حیات خود ادامه می دهد، و در مقابل خواست های برحق اکثریت عظیم توده های ستم دیده و محروم کشور ما ایستاده است. ما در دو سال گذشته شاهد اوج گیری جنبش مردمی در مقابل رژیم «ولایت فقیه» بوده ایم. این جنبش اوج گیرنده، که امروز سراسر میهن در بند ما را فرا گرفته است، کارگران و زحمتکشان را در کنار جوانان و دانشجویان، روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان و جنبش زنان مبارز قرار داده و توانسته است با مبارزه برای تحقق خواست های دموکراتیک و حق طلبانه توده ها، عقب نشینی های قابل توجهی را به رژیم دیکتاتوری حاکم تحمیل کند.

جوانان و دانشجویان رزمنده!

مبارزات بی گیر شما با رژیم واپس گرا، استبدادی و دانش ستیز ولایت فقیه، همچون چراغ تابنده نئی ست که هر روز فروزان تر می شود. شما نشان داده اید که با وجود جو ترور و وحشت، و با الهام از سنت های دیرینه و پرافتخار جنبش دانشجویی میهن قادرید پرچم خوین مبارزه بر ضد دیکتاتوری را در اهتزاز نگاه دارید. برگزاری با شکوه روز شانزدهم آذر، روز دانشجو، روز گرامی داشت حماسه رزم دانشجویان توده ای - مصدقی با مزدوران رژیم شاه، روز تولد شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی»، در سراسر دانشگاه های کشور، در کنار نبرد بی امان شما با گزمنگان و مزدوران رژیم در دانشگاه ها و موسسات آموزشی کشور، هراس عمیقی را در دل نیروهای ارتجاعی ایجاد کرده است. برپایی نهاد نیمه نظامی «بسیج دانشجویی» از سوی نیروهای ارتجاعی، که چیزی جز رسمی کردن حضور دایمی نیروهای سرکوب گر در دانشگاه ها نیست، بخشی از تلاش های رژیم برای محدود کردن و سپس سرکوب جنبش دانشجویی است. طنین افکن شدن شعارهایی همچون «مرگ بر استبداد»، «مرگ بر انحصار»، «مجلس ضد ملت، استعفاء، استعفاء»، «یا مرگ یا آزادی» و «آزادی اندیشه، همیشه، همیشه» نشانگر ماهیت عمیقاً ملی و مردمی جنبش دانشجویی است که نقش مهم و موثری را در تحولات میهن ما ایفا می کند. پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، همراه با دروهای گرم خود، پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزه توفنده شما اعلام می دارد.

زنان مبارز و آزاده میهن!

مبارزه تحسین برانگیز شما بر ضد رژیم زن ستیز، ارتجاعی و ستمگر «ولایت فقیه»، که با وجود عقب مانده ترین برداشت ها از موجودیت و حقوق زن، و فشار گروه های سرکوب و برخورد های وحشیانه مزدوران رنگارنگ رژیم، همچنان دلیرانه ادامه دارد، سران رژیم را به هراس و وحشت افکنده است. شما در انقلاب شکوهمند بهمن نقش شایسته و ارزنده نئی داشته اید و دوشادوش دیگر قشرهای خلق، همه جا، از تظاهرات میلیونی شهریور ماه گرفته تا فتح پایگاه های نظامی رژیم شاه، همگام و همراه بوده اید و ابتکار گرایانه در پیروزی انقلاب رزمیدید. رهبران رژیم، با پشت کردن به تمامی اهداف انقلاب بهمن نه تنها قدمی در جهت احقاق حقوق اساسی شما برنداشته اند، بلکه با تصویب واپس گرایانه ترین قوانین در جهت باز پس گرفتن همه دستاوردهایی که طی سالیان طولانی مبارزه به دست آورده بودید، کارنامه سیاه خود را با زهم سیاه تر ساختند. رژیم «ولایت فقیه»، شما را از کوچک ترین و بدیهی ترین حقوق انسانی تان محروم ساخته، و هر روز بر دامنه تضیقات و حق کشی می افزاید. با وجود همه این فشارها و ترندها، شما با حضور در صحنه و

پایداری در طلب خواسته های برحق خود، بر یکی از بغرنج ترین مبارزات تاریخ معاصر میهن مان توانسته اید مهر و نشان تان را برنیزد. جنبش آزادی خواهانه کشور ارزشی والا برای نقش بی بدیلی شما در جریان فروردین عظیم ۲ خرداد ماه ۱۳۷۶، که در آن بیست میلیون ایرانی، شدند، قایل است. حزب توده ایران به مبارزات رژیم واپس گرا «ولایت فقیه» شدت، افزون تر دامنه اش گسترده تر از پیش بی گیر و شجاعانه شما که امروز با توانی افزون تر دامنه اش گسترده تر از پیش می شود با ستایش می نگرند و از آن پشتیبانی می کند. پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران با اطمینان کامل به پیروزی نهایی مبارزه نئی که تمام مبارزان آزادی خواه و عدالت جوی کشور، زن و مرد و پیر و جوان، با هدف استقرار آزادی و عدالت اجتماعی و نفی هر گونه تبعیض حقوق و آزادی های شهروندی در پیش رو دارند، درود می فرستد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

پلنوم (وسیج) کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین دروهای خود را به شما کارگران مبارز و دیگر زحمتکشان قهرمان کشور تقدیم می دارد. در سالگرد انقلاب شکوهمند و مردمی بهمن، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، بار دیگر بر نقش قاطع و تعیین کننده شما آفرینندگان ثروت های مادی در سرنوشت میهن تاکید می کند! بیست سال پیش، کارگران و زحمتکشان، به عنوان نیروی عمده و قاطع جنبش سراسری خلق بر ضد امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن، سلطنت پهلوی، در یکی از بزرگ ترین رخداد های سده بیستم، یعنی انقلاب بهمن، نقش عمده را رقم زدند. اینک پس از گذشت دو دهه از این رویداد بزرگ تاریخی، رژیم ولایت فقیه با خیانت به آرمان های انقلاب، میهن مان را در سراسر فقر و فلاکت قرار داده است. بر پایه چنین وضعیتی، جنبش مبارزاتی مردم ایران برای تحقق خواست هایی مانند آزادی و عدالت اجتماعی وارد مرحله نوینی شده است. در این مرحله نوین و بسیار پر اهمیت، کارگران و دیگر زحمتکشان، نقش اساسی و انکار ناپذیر دارند و وظایف بس خطیری به دوش می کشند. بحران اقتصادی کنونی، در عمده ترین خطوط خود، محصول سیاست ها و برنامه های ضد ملی و ضد کارگری رژیم ولایت فقیه خصوصاً سیاست تعدیل اقتصادی بوده، که از سوی صندوق بین المللی پول به سران رژیم دیکته شده، و اجرای آن ثمرات فاجعه بار و شومی به بار آورده است. بیکاری میلیونی، سقوط سطح زندگی خانواده های کارگری، کاهش مرتب دستمزدها و عدم انطباق آن با نرخ واقعی تورم، تعطیلی و رکود جدی در کارخانه ها و واحدهای تولیدی، از جمله ثمرات اعمال سیاست های ضد مردمی رژیم بوده است. شما در طول تمام این سال ها، آنی از مبارزه و مقاومت باز ناستاده اید. به ویژه در طول یک سال گذشته، جنبش اعتراضی کارگران در کارگاه های تولیدی و صنعتی عرصه را بر رژیم کارگر ستیز ولایت فقیه تنگ کرده است. در سال جاری، بارها نغزنگران قهرمان، با اعتصاب های متعدد خود در مقابل رژیم قرار گرفتند. کارگران واحدهای مختلف رشته نساجی در سراسر کشور، از اصفهان، قزوین و تهران تا مشهد، یزد و تبریز، بارها با حرکت های گوناگون اعتراضی، تحصن و اعتصاب، مخالفت آشکار خود را با ادامه سیاست ها و روند خصوصی سازی و «تعدیل» نیروی انسانی رژیم اعلام کردند. کارگران پولاد، ذوب آهن، توانیر، کارخانه های تولید سیمان و دیگر رشته های تولیدی و خدماتی نیز با مبارزات گسترده و چشمگیری خود توان و نیروی عظیم جنبش کارگری را در مقابل ارتجاع به نمایش گذاشتند. حرکت هزاران تن از کارگران کاشان، از واحدهای تولیدی مختلف، برای جلوگیری از بسته شدن بیمارستان «شهید بهشتی»، و بر ضد سیاست خصوصی سازی درمان و بهداشت کارگران، نشان داد که جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما از مرحله تدافعی خود خارج و به مرحله کیفی نوینی وارد شده است.

کارگران و زحمتکشان!

باید مبارزه برای افزایش دستمزدها، مطابق با نرخ واقعی تورم، اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل، جلوگیری از خصوصی سازی و مقابله با طرح تغییر قانون کار در جهت خواست سرمایه داران را با مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی پیوند زد. بدون چنین تشکل هایی، رژیم قادر خواهد بود بیش از پیش به منافع و حقوق شما لطمه و دستبرد بزند. شعار ایجاد تشکل های مستقل

منحل کردن آن در صورتی که نتوانند نتایج آن را کنترل کنند، بوده است. حزب توده ایران، ضمن توجه به تمامی محدودیت های شکلی و محتوایی انتخابات مزبور، با تحلیل وضعیت متلاطم سیاسی کشور و حضور توده های وسیع در میدان مبارزه، اعضاء و هواداران خود را فرامی خواند تا با بسیج مردم برای رای به نامزدهای مخالف استبداد و تاریک اندیشی، طرفداران رژیم «ولایت فقیه» را با شکست دیگری روبه رو کنند. پیروزی در انتخابات شوراها می تواند راه گشای تشدید مبارزه و تلاش مردم برای درهم شکستن سد استبداد در مین ما باشد. پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، انقلابی ترین درود های خود را نثار شما مبارزان توده ای می کند.

هم مینهان آگاه و مبارز!

کشور ما لحظات حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذراند. مبارزه بی که امروز در جریان است، پیکار سرنوشت سازی است که آینده مین ما را در دهه های آینده رقم خواهد زد. هوشیاری در این مبارزه، و استفاده از همه امکانات و اشکال مبارزه، در کنار اتحاد آهنین صفوف نیروهای مدافع آزادی و حقوق مردم، کلید پیروزی در مبارزه مشترک همه ماست. امروز، پس از گذشت بیست سال از انقلاب بهمن ۵۷، و استقرار حکومت جمهوری اسلامی، دیگر روشن شده است که رژیم حاکم مهمترین سد راه هرگونه تحول و تغییر بنیادین به نفع منافع اکثریت محروم مردم مین ماست. امروز نبرد بر سر ایجاد حکومتی از نوع «طالبان»، یعنی هرچه بیشتر «اسلامی کردن» و «ذوب در ولایت» از یک سو، و حرکت به سمت آزادی و استقرار عدالت اجتماعی، از سوی دیگر است. حزب توده ایران اعتقاد عمیق دارد که سرنوشت نهایی این پیکار در دست شما مردم شریف و مبارز مین ما قرار دارد، شما باید که قادرید این مبارزه را به سرانجام پیروزمندش برسانید. ما در این مبارزه، مانند همیشه در کنار شما و همراه با شما از همه توان و امکانات خود برای پیروزی جنبش مردمی بهره خواهیم گرفت. پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، باردیگر گرم ترین درودهای خود را به شما تقدیم می کند. پیروزی بی شک از آن جنبش مردمی است.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

دومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
همین ماه ۱۳۷۷

ادامه به یاد افسران دلیر توده ای ...

جنايات هولناکی بود که افرادی چون خامنه ای، رئیس جمهوری وقت، رفسنجانی و سایر رهبران رژیم «ولایت فقیه» نقش مهمی را در سازمان دهی آن ایفا کردند و بی شک روزی در مقابل خلق یاسخگویی آن خواهند بود. مردم ایران هنوز فراموش نکرده اند که افراد چاپلوس و فرصت طلب، که دم از «آزادی» نیز می زدند در مقالات متعددی در روزنامه اطلاعات، در تعریف و تمجید از سربازان «گمنام امام زمان»، چه داد سخنی دادند و بیدادگاه های نظامی رژیم را ستودند. همان سربازان «گمنامی» که امروز گلوی مبارزانی همچون فروهرها، شریفها، مختاریها و پونندهها را می درند و به جنایات خود ادامه می دهند.

رژیم مردم ستیز «ولایت فقیه» با اعدام سریع این رفقا، در اسفندماه ۱۳۶۲، در همان ماه های پس از یورش سراسری و سازمان یافته به حزب ما، کوشید مبارزه و حضور موثر و نفوذ نیرومند معنوی حزب در جامعه، به ویژه در میان زحمتکشان و افسران و نظامیان آزادی خواه و مین دوست را پایان یافته وانمود سازد. این اقدام نیز، نظیر نمایشات مشمنز کننده تلویزیونی و دادگاه های فرمایشی، نتوانست اعتبار و نفوذ ژرف حزب توده ای ما را خدشه دار کند. مقاومت و پایداری توده ایها، با وجود فشارهای فوق انسانی شکنجه گران، به سند افتخار مبارزان راه آزادی بدل شد، و بیش از پیش حقانیت و درستی راه حزب را به نمایش گذاشت. بخش اساسی دفاعیات مستدل و دلیرانه توده ایها، به ویژه افسران توده ای، مانند دفاعیات رفیق شهید سرهنگ هوشنگ عطاریان و رفیق شهید سرهنگ حسن آذرفر، از سوی رژیم انتشار نیافته و در بایگانی وزارت اطلاعات نگهداری می شود.

مبارزه و مقاومتی که توده ایها به بهای جان، هستی و زندگی خود کردند، بهترین گواه اصالت و درستی مبارزه حزب ما و وفاداری اش به آرمان های انقلابی، ملی و مردمی است. پس از گذشت ۱۵ سال، رفقای شهید ما در رزم و پیکار زحمتکشان ایران برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی زنده اند. به قول مارکس: «اگر انسان در جسم خود فانی است در عمل تاریخی خود باقی است». نام و یاد افضلی، عطاریان، جهاد، جهانگیری، آذرفر و دیگران در کنار نام و خاطره سیامک، مبشری، کیوان، زاخار، وارطان و حکمت جو ... الهام بخش نسل های جوان در حال و آینده است. نام و رزم آنها بسان شعله بی آذگون و پر حرارت گرما بخش رزمندگان راه آزادی است. یادشان را گرامی بداریم.

ادامه پیام دومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی ...

صنفي یکی از مهم ترین و اساسی ترین خواست های جنبش کارگری، سندیکایی در شرایط کنونی است، سران مرتجع رژیم ولایت فقیه از اهمیت این خواست اطلاع دارند، و به همین جهت به مانورهای گوناگونی از جمله تشکیل حزب اسلامی کار اقدام کرده اند. باید با هوشیاری و همبستگی، و در سایه نظم و سازماندهی بر ضد این گونه ترندها مبارزه کرد.

حزب توده ایران، همچون همیشه، در مبارزه دشوار کنونی در کنار شماست. حزب توده ایران، حزب محرومان و ستمدیدگان ایران، سنگر مطمئن و تسلیم ناپذیر مبارزه برای آزادی مردم و دستیابی به عدالت اجتماعی و رهایی مین از دیکتاتوری است. کارگران آگاه و پیشرو، سنت های برجسته مبارزه صنفي و سیاسی را در مکتب حزب توده ایران آموخته و تجربه کرده اند. شرایط متحول مین می طلبد که شما کارگران، برای مبارزه بی گسترده بر ضد رژیم «ولایت فقیه»، بیش از پیش در صفوف حزب پر افتخار خود گرد آید.

زندانیان سیاسی، خانواده شهدا و زندانیان سیاسی!

پایداری و استقامت شما زندانیان سیاسی، خانواده شهدا و زندانیان سیاسی در دوران اخیر، در دورانی که سرسیردگان رژیم «ولایت فقیه» بار دیگر سیاست ارباب، سرکوب و ترور خونین را در دستور کار خود قرار داده اند، ارتجاع حاکم را در تنگنایی جدی قرار داده است. شما زندانیان سیاسی، با دفاع از شرافت و اعتقادات خود، به مظاهر استواری و تسلیم ناپذیری مردم مین ما در مبارزه بر ضد استبداد حاکم بدل شده اید.

شما خانواده شهدا و زندانیان سیاسی با وجود شرایط سخت و ضربات هولناک وارد شده، لحظه بی از افشای جنایات هولناک رژیم ضد مردمی باز نایستاده اید و تلاش های مدبوحانه سران رژیم برای پنهان نگاه داشتن فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی را نقش بر آب کرده اید. پافشاری شما برای افشای جنایات رژیم و همچنین معرفی و مجازات عاملان کشتار زندانیان سیاسی مین ما در خور ستایش و تحسین است.

شما خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، از احترامی ژرف در جامعه برخوردارید، و ایثار و فداکاری شورانگیز شما، پرچم پیکار در راه نیل به آزادی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه» است. دور نیست روزی که مردم شرافتمند مین ما، آن چنان که سزاوار و شایسته است، از شما تجلیل و تقدیر کنند. فردای روشن و سعادتمند ایران، به میزان انکار ناپذیری، مرهون فداکاری قهرمانانه مبارزان، زندانیان سیاسی و شهدای بنام و گمنام جنبش است. حزب توده ایران، حزب شهدا و قهرمانان همواره، در کنار و پشتیبان شما بوده، است و خواهد بود.

رزمندگان توده ای، اعضاء و هواداران حزب توده ایران!

در شرایط حساس کشور و در لحظاتی که جنبش آزادی خواهانه و دموکراتیک مردم مین ما به نقطه عطف تعیین کننده می رسیده است، وظیفه خطیری بر دوش شما مبارزان توده ای است. حزب توده ایران، در تداوم سنن پر افتخار خود در حضور فعال و تعیین کننده در تمامی تحولات عمده کشور در نیم قرن اخیر، در این جهت فعالیت می کند که در مبارزه برای آزادی های سیاسی که راه گشای تحولات تعیین کننده آینده اند، وظیفه تاریخی خود را ادا کند.

حزب توده ایران، برای مبارزه شما رفقای توده ای که در شرایط دشوار پلیسی با ایثار گری و با وجود امکانات محدود در جهت گستراندن پیام حزب در وسیع ترین سطح جنبش فعالیت می کنید، ارزش والایی قایل است. پلنوم وسیع به اعضاء و هواداران حزب توده ای مان که با هوشیاری و پایداری، همدوش با جنبش مردمی، شعارها و نظرات حزب توده ایران را ترویج می کنند، درود میفرستد.

شما توانسته اید با هوشیاری انقلابی نیات توطئه آمیز و تلاش های هدفمند و ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» را در «حزب سازی»، شخصیت سازی و تاریخ نویسی، با هدف مخدوش کردن تاریخ واقعی حزب و جنبش به خوبی افشاء کرده و در همقدمی تنگاتنگی با حزب خود، مبارزه در راه آرمان های مقدس خلق یعنی آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی را ادامه دهید.

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن توجه دادن به گسترش قابل توجه جنبش کارگری، شما رزمندگان توده ای را فرامی خواند تا با استفاده از تجربیات غنی گذشته، مبارزه خود در جهت روشنگری و تشکیل طبقه کارگر را تشدید کنید.

در شرایط حساس کنونی کشور، انتخابات شوراهای شهر و روستا که در آینده نزدیک برگزار خواهد شد، به مبارزه بی تعیین کننده میان نیروهای مدافع مدنیت و آزادی و ارتجاع سیاه تبدیل شده است. سیاست و عملکرد طرفداران ادامه سرکوب گری ولایت فقیهی متوجه جلوگیری از شرکت وسیع توده ها در این انتخابات و حتی

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

قطعه‌نامه های دومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

گواه و همچنین نشانگر ابعاد بحران اقتصادی-اجتماعی ثی است که حکومت جمهوری اسلامی با آن روبه روست. این بحران به دلیل مجموعه ثی از علل و عوامل، از جمله ادامه روند کاهش و یا پائین ماندن قیمت نفت، بحران رکود شدید تولید ملی، اتخاذ سیاست های نادرست و مخرب اقتصادی در راستای منافع کلان سرمایه داری تجاری، دلال وانگلی، و همچنین بدهی ها و تعهدات سنگین مالی به بانک های خارجی، که تنها سود آنها در سال به میلیارد ها دلار سر می زند، نه تنها تخفیفی نخواهد یافت، بلکه قاعدتا تشدید نیز خواهد شد.

۵. دولت خاتمی، که پس از دوم خرداد ۷۶، ریاست قوه اجرائی جمهوری اسلامی را برعهده گرفت، از نظر پایگاه طبقاتی، عمدتا شامل بورژوازی بورکراتیک نوین (جناح کارگزاران سازندگی)، سرمایه داری بازار و اقشار میانی (مجمع روحانیون مبارز و ائتلاف نیروهای «خط امام») و همچنین نمایندگانی از کلان سرمایه داری تجاری و مدافعان «ولایت مطلقه فقیه» است. تبلور منافع طبقاتی مذکور را در ادامه سیاست های مخرب و ضد ملی «تعدیل اقتصادی» و بی توجهی به منافع اقشار محروم و زحمت کش جامعه خصوصا کارگران و دهقانان می توان ملاحظه کرد. ادامه سیاست های دولت هاشمی رفسنجانی در عرصه اقتصادی، که توسط همان نظریه پردازان دولت رفسنجانی، از جمله نوربخش، نمازی و دیگران دنبال می گردد، در بین توده ها نسبت به تحقق قول عدالت اجتماعی توسط دولت خاتمی نارضایتی و بی اعتمادی عمیقی را برانگیخته است. تشدید مبارزات کارگران و زحمتکشان برای کسب حقوق خود و در مخالفت با ادامه این سیاست ها، نمود روشنی از این حقیقت است. حتی محتشمی، مشاور رئیس جمهوری، نیز این حقیقت را نمی تواند پنهان کند و در پاسخ به این سؤال که چرا اقدامی در راستای تحقق عدالت اجتماعی توسط دولت آقای خاتمی رخ نداده است می گوید: مشکل دولت آقای خاتمی وجود وزرای است که به عدالت اجتماعی اعتقادی ندارند.

۶. دولت خاتمی، مسأله «توسعه سیاسی» را یکی از مهم ترین اهداف خود در راستای تحقق قول های انتخاباتی و از جمله استقرار «جامعه مدنی» اعلام کرد. باز شدن نسبی فضای مطبوعاتی کشور، پیدایش روزنامه های مستقل، گسترش فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، با وجود تهدید ها، یورش ها و سرانجام ترورهای نفرت انگیز صاحبان قلم و اندیشه، به دست نیروهای واپس گرا، که چنین گشایش هایی را برای آینده رژیم بسیار خطرناک تشخیص می دادند، از جمله نکات قابل توجه و مثبتی است که جنبش مردمی، در دوسال گذشته، زیر فشار شدید مبارزه توده ها از پائین، و بالا گرفتن درگیری ها در درون حاکمیت، توانسته است به آن دست یابد.

۷. دولت خاتمی، در راستای اجرای برنامه «توسعه سیاسی»، بر تکیه بر «قانون» و اجرای «قانون» تأکید کرده است. خاتمی در نخستین سخنانی که پس از انتخاب به مقام ریاست جمهوری ایراد کرد، ضمن تأکید بر دفاع از قانون اساسی کشور و اصل عمده آن یعنی «ولایت فقیه»، هرگونه حرکت دولت خود را تنها در چنین چارچوبی قابل قبول اعلام کرد. جناح مدافعان «ذوب در ولایت» نیز اعتقاد دارند که مهم ترین اهرم های حفظ قدرت سیاسی در دست آنها نیز در «قانونیت» و اجرای «قانون» نهفته است. بر اساس اصل های متعددی از قانون اساسی، از جمله اصول ۴، ۵ و ۹۱ تا ۹۹ و ۱۰۷ و ۱۱۰، اختیارات نامحدودی به «ولی فقیه»، به عنوان یک فرد، تفویض شده است. حکومت «قانون» در رژیم «ولایت فقیه» یعنی قوه قضاییه، که در اختیار «ولایت فقیه» است و بر اساس خواست او می تواند افراد را دستگیر، شکنجه، محکوم و حتی نابود کند. «حکومت قانون»، یعنی اینکه «ولایت فقیه» تمامی سه قوه را در اختیار خود داشته باشد، و با استفاده از نهادهای گوناگونی مانند شورای نگهبان، مجلس خبرگان، و نیروهای سرکوبگر، جلو هرگونه تلاش و حرکتی برای تأمین آزادی و منافع توده ها، را حتی از «مجرای قانونی» سد کند. حکومت «قانون» یعنی اینکه فرمانده سپاه پاسداران رژیم، با اجازه فرمانده کل قوا، «ولی فقیه» می تواند مخالفان را به گردن زند و زبان بریدن و سرکوب وحشیانه تهدید کند و «آب از آب» هم تکان نخورد، و کسانی هم که به وی اعتراض می کنند، یا دستگیر و روانه زندان شوند، یا اجازه انتشار روزنامه شان لغو شود و یا با تهدید و ارباب، خانه نشین شوند.

۸. سرنوشت تحولات آینده ایران را توده های محروم رقم خواهند زد. در تحلیل نهایی، تحقق آزادی و عدالت اجتماعی مستقیما به خواست و توان جنبش مردمی، که مستقل از حاکمیت جمهوری اسلامی به مبارزه خود ادامه می دهد، بستگی دارد. سطح سازمان یافتگی، اتحاد و انسجام این جنبش و نیروهای مترقی و آزادی خواه درون این جنبش است که می تواند در صورت عملکرد درست، راه را برای تحولات سرنوشت ساز آینده در ایران باز کند.

۱. بیست سال از پیروزی انقلاب پرشکوه بهمن ۱۳۵۷ می گذرد. بیست سال پیش میلیون ها ایرانی، با قلبی آکنده از شور و شوق، با قهرمانی و فداکاری های کم نظیر، رژیم وابسته، ضد مردمی و دیکتاتوری شاه را سرنگون کردند تا بر ویرانه های آن، ایرانی آزاد، آباد و مستقل را بنا کنند. خواست اکثریت عظیم مردم میهن ما در شعارهای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تبلور یافته بود و رهبران جمهوری اسلامی با قبول این شعار ها و قول تحقق آنها توانستند، با اراده مردم، رهبری حکومت برآمده از انقلاب را به دست بگیرند. بیست سال پس از پیروزی این جنبش عظیم توده ای که تمامی منطقه خاورمیانه و جهان را تحت تأثیر خود قرار داد، هنوز خواست های توده های شرکت کننده در انقلاب بهمن ۵۷ تحقق نیافته است. آزادی های بدست آمده در سال های نخست انقلاب، قربانی انحصار طلبی و تمامیت خواهی نیروهای ارتجاعی و واپس گرا شد که هدف اصلی انقلاب را استقرار یک «نظام اسلامی»، و نه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، اعلام می کردند، و به جای تأمین آرمان های انقلاب همان نظام ظالمانه سرمایه داری، این بار با روپنایی عقب مانده تر، وضعیت بسیار دشوار و طاقت فرسایی از فقر و محرومیت را برده ها میلیون هم وطن ما تحمیل کردند.

۲. از نظر اکثریت قاطع مردم و نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن ما، کارنامه بیست ساله حکومت جمهوری اسلامی، کارنامه ثی تاریک و فاجعه بار است که مهم ترین مشخصه های آن را در استبداد قرون وسطایی، اختناق خشن، کشتار هزاران انسان دگراندیش و آزادی خواه، ماجراجویی، افرورخته نگه داشتن شعله های جنگ، و تشدید فقر و محرومیت در جامعه، می توان خلاصه کرد. از همین رو است که میلیون ها ایرانی امروز دیگر خواهان ادامه اوضاع کنونی نیستند. تضاد آشتی ناپذیر و گسترش یابنده میان خواست توده ها برای تغییرات بنیادین در راستای تحقق عدالت اجتماعی و استقرار آزادی، و اصرار سران رژیم بر ادامه دیکتاتوری سرمایه داری عقب مانده در میهن ما، پایه و اساس جنبش مبارزاتی است که در ایران، در سال های اخیر، نضج می گیرد، و اکنون در ابعاد رو به گسترش، به میدان رویارویی با رژیم «ولایت فقیه» کشانده شده است.

۳. پیروزی بزرگ جنبش مردمی در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، نقطه عطفی در مبارزات توده ها بر ضد استبداد، تاریک اندیشی و ادامه رژیم «ولایت فقیه»، در سال های اخیر، بود که تأثیر عمیقی بر حیات کشور برجای گذاشت و پیش روی جنبش آزادی خواهانه و عدالت جویانه مردم ما افق های نوینی را گشود. کمیته مرکزی حزب ما، در همان نخستین روزهای این پیروزی با توجه به ابعاد سنگین شکست مدافعان «ولایت مطلقه فقیه» و «هرچه بیشتر اسلامی کردن ایران» در ارزیابی تحولی که در ایران رخ داده بود، متذکر شد: «رأی ۲۰ میلیونی مردم را می بایست در واقع به مثابه رفتارندومی علیه ادامه استبداد و رژیم «ولایت فقیه» ارزیابی کرد. آنچه از هم اکنون روشن است، این حقیقت است که رهبری رژیم «ولایت فقیه» علی رغم خواست توده ها به انجام تغییرات دموکراتیک، مصمم است به سیاست های خود ادامه دهد و سد راه هرگونه تغییر اساسی در سمت و سوی حرکت جامعه ما باشد». تحولات یک سال گذشته، نماد روشنی از ارزیابی درست و دقیق حزب ما از روند رویداد های کشور است. در حالی که پس از پیروزی دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، بسیاری از نیروهای سیاسی کشور، از جمله طیف نیروهای ائتلاف گردآمده به دور سید محمد خاتمی، پیش بینی می کردند و مدعی می شدند که گام های بلندی را در راه استقرار «جامعه مدنی» و «تحقق عدالت» می توان برداشت، یورش سازمان یافته نیروهای واپس گرا و تاریک اندیش، طرفدار «ولایت مطلقه فقیه»، برای شکست جنبش دوم خرداد، از طریق تشدید جو ترور و اختناق، یورش به مطبوعات مدافع دولت خاتمی، کشتار دگراندیشان و فلج کردن دولت جدید، با اتکاء به اهرم های «قانونی» از جمله نهاد «ولایت»، شورای نگهبان، قوه قضاییه، مجلس شورای اسلامی و نیروهای نظامی و انتظامی، و ضعف دولت خاتمی در دفاع از برنامه های اعلام شده خود، نشان داد که با تمرکز اهرم های اساسی قدرت سیاسی در دست نیروهای ارتجاعی، جنبش با چه دشواری هایی روبه روست.

۴. بحران اقتصادی کشور، که ثمره هشت سال اعمال سیاست فاجعه بار «تعدیل اقتصادی» توسط دولت هاشمی رفسنجانی بوده است، به دلیل ادامه همان سیاست های مخرب و ضدملی گذشته توسط دولت خاتمی، همچنان ادامه یافته و دشواری های طاقت فرسا و مشکلات کمر شکنی را برای میلیون ایرانی به وجود است. لایحه بودجه سال ۷۸، دولت خاتمی، که اخیرا از تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی گذشت، امیدوار است با اتکاء به ۴۰ میلیارد دلار وام خارجی بتواند ایران را از بحران اقتصادی مزمن بیرون آورد. اعتراف به این مسأله که اقتصاد کشور بدون اتکاء به وام های کلان خارجی نمی تواند بگردد، خود بهترین

ادامه قطعه نامه های دومین پلنوم (وسیع)...

۹. حزب توده ایران، بنابه ماهیت طبقاتی، درک و جهان بینی علمی اش، و اعتقاد عمیقی که به منافع و آرمان های طبقه کارگر دارد، معتقد است که طبقه کارگر ایران و متحدان طبیعی آن، یعنی زحمتکشان شهر و روستا، مهمترین نیروی اجتماعی مدافع تحول و حرکت به سمت استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ما می باشند. تجربه انقلاب بهمن ۵۷، و نقش تعیین کننده کارگران و زحمتکشان در به زانو درآوردن رژیم شاه، تجربه مهم تاریخی ثی ست که موبد این نظر است. امروز نیز طبقه کارگر ایران به طور بسیار گسترده و بی سابقه ثی در سال های پس از انقلاب به عرصه رویارویی و برخورد با رژیم «ولایت فقیه» کشانده شده است. ما در دو سال گذشته شاهد صدها حرکت اعتراضی کارگران برای احقاق حقوقشان بوده ایم. از اعتصاب پیروزمند کارگران نفت، در اسفندماه ۷۵، تا اعتصاب شکوهمند کارگران مجتمع بزرگ صنعتی ملی، با شرکت هزاران کارگر و در هفته های اخیر حرکت متحد و منسجم کارگران کاشان، از کارخانه ها و کارگاه های تولیدی گوناگون، برای جلوگیری از واگذاری بیمارستان، «شهید بهشتی» که با پول کارگران ساخته شده است، همگی نشانگر رشد کیفی و کمی جنبش مطالباتی کارگران در مقابل رژیم «ولایت فقیه» است.

۱۰. در کنار رشد جنبش کارگری، جنبش دانشجویی و همچنین جنبش زنان کشور نیز رشد محسوس و جالب توجهی داشته است که باید به آن توجه جدی کرد. محیط های دانشجویی، پس از سال ها اعمال سیاست های پاکسازی - «گزینشی»، که هدفش منزوی و سرکوب کردن نیروهای مترقی در محافل دانشجویی کشور بود، باردیگر به عرصه مهمی از بیکار بر ضد ارتجاع و استبداد تبدیل شده است. مهم ترین ویژگی جنبش دانشجویی کشور، که بسیار برجسته و قابل توجه است، خصلت عمیقاً سیاسی این جنبش در دفاع از آزادی و عدالت اجتماعی است. شعارهای «مرگ بر استبداد و ارتجاع» و «مجلس ضد ملت استعفاء، استعفاء» نشانگر رشد کیفی جنبش دانشجویی و خصلت عمیقاً مردمی و مترقی آن است.

۱۱. در کنار جنبش دانشجویی، رشد جنبش مستقل زنان نیز از پدیده های جالب و قابل توجه است. نقش مهم زنان در پیروزی انتخابات دوم خرداد ماه ۷۶، حقیقتی بود که حتی دشمنان مردم نیز به آن اعتراف کردند. مبارزات سیاسی زنان در بیست سال گذشته، از شرکت در سنگرهای انقلاب بهمن، تا عرصه های گوناگون رویارویی با ظلم و سیاست های زن ستیزانه رژیم استبدادی حاکم، دلیل عمده رشد کمی و کیفی چشمگیر جنبش زنان میهن ماست، اگرچه این جنبش هنوز از انسجام کافی تشکیلاتی - صنفی (مانند جنبش دانشجویی) برخوردار نیست. تصویب طرح جدا سازی خدمات پزشکی و استفاده از برای زن، که اخیراً از تصویب مجلس گذشت، و مبارزه گسترده جوانان، زنان و زحمتکشان با این طرح ها، از جمله آخرین نمونه های سیاست های زن ستیزانه رژیم «ولایت فقیه» و در عین حال گویای مقاومت رو به رشد زنان ایران در برابر بی حقوقی خود و ظلم رژیم استبدادی بر آنها ست.

۱۲. از مبارزه برای دریافت دستمزدهای پرداخت نشده کارگران، تا نبرد برای یافتن آمران اصلی جنایات وحشیانه بر ضد دگرا نديشان، از انتخابات شوراهای شهر و روستا تا برخورد های بین دانشجویان و جماعت داران حزب الله و انصار حزب الله، همگی، بخشی از یک مبارزه واحد برای ایجاد تغییرات بنیادین و اساسی در میهن ماست. حزب ما اعتقاد دارد که چنین تحولاتی با ادامه رژیم «ولایت فقیه» امکان پذیر نیست. در کنار این اعتقاد، ما همچنین می دانیم که تا هنگامی که برای این نظریه نیروی مادی کافی در جامعه پدید نیامده است، و جنبش وسیع توده ثی با شعارهای مشخص و با سازماندهی مشخص پدید نیامده است، نمی توان انتظار تغییر و تحول جدی و بنیادین در جامعه داشت. برای ایجاد نیروی مادی، هیچ راهی جز شرکت مستقیم در مبارزه و رویارویی توده ها با نیروهای ارتجاعی و واپس گرا وجود ندارد. باید همراه با توده ها و در کنار توده ها رزمید، و در عین حال، تلاش کرد تا جنبش را با شعارهای دقیق مبارزاتی، رادیکالیزه کرد.

۱۳. تشدید فعالیت های حزب، خصوصاً در درون کشور، بردن شعارهای حزب به درون توده ها و ایجاد نیرو در جامعه، بالا بردن کیفیت سازماندهی نیروهای حزبی، خصوصاً در درون کشور، و حرکت آگاهانه هسته های حزبی متکی بر اتحاد و انسجام آهین، در اوضاع کنونی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ما بدرستی اعتقاد داشتیم و داریم که امر پیروزی جنبش مردمی، ارتباطی تنگاتنگ با ایجاد یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری دارد. در این جبهه همه نیروهای مدافع آزادی، از اسلامی و غیراسلامی با برنامه های گوناگون، می توانند گرد آیند و جایگزین واحدی را در مقابل رژیم استبدادی حاکم ایجاد کنند. ما باید تلاش های خود را در راه تحقق این امر دوچندان کنیم. حرکت وسیع اخیر در داخل و خارج از کشور، در اعتراض به کشتارهای وحشیانه صاحبان اندیشه و قلم، نشان داد که زمینه های چنین اتحادی سریعاً فراهم می شود.

۱۴. ما در این اوضاع حساس و سرنوشت ساز، با خوشبینی تاریخی به آینده می نگریم، و مطمئنیم که سرانجام پیروزی با خلق، و نیروهای مدافع آزادی و عدالت اجتماعی است. ما، در عین حال، هشدار می دهیم که با تنگ نظری، انحصار طلبی و کم توجهی به خطرات و دشواری های عظیمی که هنوز در مقابل جنبش مردمی قرار دارد، تحقق این پیروزی را در کوتاه مدت نباید دور از دسترس ساخت.

ادامه انتخابات شوراها: پیروزی بزرگ ...

خودی» در انتخابات را «دوینگ سیاسی» نامید، و ضمن اعتراض به «ائتلاف خطرناکی که میان بخشی از نیروهای خودی با دشمنان انقلاب» صورت گرفته است، و ابراز ناخوشنودی از فعالیت وسیع نیروهای اپوزیسیون در روند انتخابات، نوشت: «انتخابات اخیر، به مثابه آزمایشگاه تشریح پدیده های سیاسی امروز جامعه، نقش قابل توجهی در برمل کردن گوشه هایی از این ائتلاف نامبارک داشت. برای اولین بار در تاریخ انقلاب، نیروهای مخالف و یا ضد انقلاب و نظام با ورود دزدانه به عرصه رویارویی نیروهای داخلی، همه کوشش خود را به کار گرفتند تا توازن میان دورقیب داخلی را به نفع یکی از آنها برهم بزنند.» کیهان در انتهای سرمقاله خود، با تهدید ضمنی نیروهای جناح مقابل، می نویسد: «اگرچه امید به بازگشت برخی از بریدگان از امام به ویژه در میان طراحان اصلی سیاست وادادگی هر روز کمتر می شود، اما بعید به نظر می رسد انبوه واداران صادق و اصولگرا در میان این طیف وسیع سیاسی، حاضر به بيمودن راه خیانت به امام و شهیدان انقلاب باشند.»

حزب توده ایران، از همان آغاز روند برگزاری انتخابات شوراها، با توجه به خصلت عمیقاً مردمی این انتخابات، و نقشی که توده ها می توانند در آن ایفاء کنند، شرکت در انتخابات را یک وظیفه مهم ملی ارزیابی کرد و اعلام کرد: «با وجود توطئه های گوناگون جناح راست، ابعاد عظیم شرکت مردمی در این انتخابات آن چنان خواهد بود که جناح راست نخواهد توانست خواست ها و امیال خود را کاملاً بر این انتخابات تحمیل کند. به نظر حزب توده ایران، شرکت در انتخابات شوراهای شهر و روستا، در شرایط کنونی، عرصه مهم مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم است، که باید با جدیت و برنامه ریزی دقیق به استقبال آن رفت... انتخابات شوراهای شهر و روستا می تواند گام مهمی در مبارزه برای درهم کوبیدن انحصار نیروهای ارتجاعی بر تصمیم گیری در حیات سیاسی کشور و راهگشای تحولات مهم بعدی باشد. شرکت کارگران، زحمتکشان، جوانان و زنان به عنوان نامزدهای انتخاباتی این شوراها، نیز از اهمیت فوق العاده ثی برخوردار است.» (نامه مردم، شماره ۵۴۴، ۱۹ آبان ۱۳۷۷). کمیته مرکزی حزب ما، همچنین در فراخوانی که هفته گذشته انتشار یافت، همه نیروهای مردمی را به شرکت فعال و هدفمند در انتخابات فرا خواند و اعلام کرد: «حزب توده ایران، همه اعضا و واداران حزب، و همه دوستداران آزادی و عدالت در ایران را فرا می خواند تا با حضور یکپارچه در انتخابات هفتم اسفندماه، و رأی دادن به نامزدهای مخالف استبداد و تاریک اندیشی، نیروهای مذهبی مدافع آزادی، زنان مستقل، نمایندگان جنبش دانشجویی، نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان، در شهرهای گوناگون کشور، طرفداران ادامه استبداد و برپایی حکومت طالبان در ایران، «ولی فقیه» و انصارش را با شکست دیگری روبه رو کنند» (نقل از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، پنجم اسفندماه ۱۳۷۷).

موضع گیری نیروهای ملی و مترقی درباره انتخابات شوراها، بازتاب وسیعی در میان افشار مختلف مردم داشت. روزنامه «صبح امروز»، یکشنبه نهم اسفندماه، ضمن اعتراف تلویحی به این حقیقت، در این باره نوشت: «بنابه اخبار منتشره در روزهای اخیر، بیشتر گروه های سیاسی اپوزیسیون کل نظام که در خارج از کشور و عمدتاً در اروپای غربی مستقر هستند، در اظهار نظرهایی رسمی با انتشار بیانیه، از برگزاری نخستین انتخابات شوراهای اسلامی استقبال کردند و واداران خود را به مشارکت فعال در این انتخابات فراخواندند. حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق و چند گروه دیگر، از این زمره اند.»

بی شک، با روشن تر شدن همه نتایج انتخابات، و نیز نتیجه تلاش های هیأت نظارت برای حذف اسامی افرادی که با وجود رد صلاحیت حائز اکثریت آراء شده اند، می توان اظهار نظر همه جانبه تری پیرامون ماهیت و توان مردمی شوراهای منتخب انتخابات هفتم اسفندماه کرد، ولی آنچه که از هم اکنون روشن است، این است که رژیم «ولایت فقیه»، در جریان این انتخابات، باردیگر با شکست سنگینی روبه رو شد، و بحران عمیق مشروعیت آن به عنوان رژیم متکی به آراء مردم، بیش از پیش تعمیق یافت. انتخابات شوراهای نشان داد که جنبش مردمی حاضر در صحنه، با اراده و تصمیم خلل ناپذیر، به مبارزه و حرکت خود برای تحمیل خواست های خود بر رژیم استبدادی حاکم، ادامه می دهد، و با هوشیاری قابل تحسینی، تاکتیک های مبارزاتی کارا را به کار می گیرد.

انتخابات شوراها همچنین باردیگر نشان داد که جنبش زنان، جوانان و دانشجویان در کنار کارگران و زحمتکشان میهن ما، می توانند چه نقش مهم و سرنوشت سازی را در تحولات آتی جامعه ایفاء کنند. پیروزی هفتم اسفندماه، گام مهم دیگری در تسخیر سنگرهای ارتجاع برای طرد رژیم «ولایت فقیه» است. باید با آنگاه به این پیروزی و حفظ و گسترش اتحاد نیروهای ملی و مترقی، راه را برای تحولات سرنوشت ساز و بنیادین در میهن ما گشود. حزب توده ایران، پیروزی بزرگ جنبش مردمی در هفتم اسفندماه ۷۷ را به همه آزاد اندیشان و مبارزان راه آزادی و رهایی میهن از چنگال استبداد تبریک می گوید.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن

در جامعه ای که زنان آزاد نباشند، آزادی وجود ندارد

نسل های آینده ایجاد کرده است. اکثریت عظیم مردم میهن ما، و خصوصاً زنان، دلیل عمده این نابسامانی ها و مشکلات را رژیم کنونی می دانند و خواهان تغییرات بنیادین به نفع آزادی و عدالت اجتماعی در کشور اند. با گذشت بیش از بیست سال از انقلاب بهمن و حاکمیت جمهوری اسلامی، دیگر روشن شده است که با ادامه این رژیم، امید بستن به تحقق آرمان های انقلاب سرابی بیش نیست. امروز، مبارزه در میهن ما، خصوصاً پیکار زنان برای ایجاد تحولات بنیادین، اشکال متفاوت و فوق العاده گسترده ای پیدا کرده است. وظیفه نیروهای انقلابی و پیشرو، حمایت از این مبارزه در همه ابعاد، و با توجه به همه پیچیدگی آن است. امروز حتی برپایی کلاس سود آموزی برای زنان محروم در نقاط محروم کشور، و بردن آگاهی به درون زنان، بخش جدا ناپذیری از همان مبارزه ای است که در صحن دانشگاه تهران، زنان و مردان دانشجو شعار «مرگ بر استبداد» و «مرگ بر انحصار» را سر می دهند. امروز مبارزه برای ایجاد تشکل های صنفی، فرهنگی زنان، برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و به رسمیت شناختن حقوق زنان کارگر، برای برداشتن بندهای «قانونی» زن ستیزانه که حق کار، تحصیل و حتی حق سرپرستی (حضانت) اطفال را از زنان دریغ کرده است، بخشی از مبارزه مردم ما برای دست یابی به حقوق شان است.

زنان مبارز و آزادی خواه ایران!

پیکار جنبش مردمی برای آزادی و عدالت اجتماعی که در دوم خرداد ۷۶، اوج تازه ای یافت و امروز در هفتم اسفندماه ۷۷ می رود تا بار دیگر یک شکست تاریخی دیگر را بر ارتجاع حاکم تحمیل کند، یگانه سلاح مطمئن برای حصول به اهداف و آرمان هایی است که خواست شما و همه نیروهای ملی و مترقی میهن ماست. در این مبارزه بفرنج و دشوار باید از همه امکانات، از همه برخوردها در درون و بیرون حاکمیت و از همه روزنه هایی که برای سازمان دهی مستقل جنبش زنان ایجاد شده است حداکثر بهره را برد. سازمان دهی و تشکیلات، یگانه سلاح محرومان و ستم دیدگان جامعه در مقابل زورمداران و مستبدان حاکم است. جنبش مردمی میهن ما این توان و اراده را دارد که بر کوه عظیم مشکلاتی که پیش رو دارد غلبه کرده و راه را برای تحولات بنیادین در جامعه بگشاید. حزب توده ایران، امروز نیز مانند گذشته، خود را بخش جدا ناپذیری از جنبش مردمی و پیکارگر زنان ایران برای رهایی از زنجیرهای ستم جنسی - طبقاتی و نیل به برابری می داند، و اعتقاد دارد که بدون آزادی و برابری برای زنان میهن ما، آزادی و عدالت اجتماعی در کشور ما میسر نیست. زنان دلاور و پیکارجوی میهن ما نشان داده اند که نیروی مهم و تعیین کننده ای در مبارزه عمومی خلق بر ضد استبداد بوده و هستند، و این نقش امروز بیش از پیش روشن و آشکار می شود. کمیته مرکزی حزب توده ایران، بار دیگر این روز خجسته را به همه زنان مبارزه میهن ما، خصوصاً زنان کارگر و زحمتکش، تبریک می گوید و اطمینان دارد که نبرد برای رهایی زنان میهن از زنجیرهای استبداد قرون وسطایی به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید.

درد پرشور به زنان مبارز و آزادی خواه ایران!

درد پر شور به زندانیان سیاسی زن دیروز و امروز میهن ما!

فرخنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۸ اسفندماه ۱۳۷۷

از برنامه حزب توده ایران، مصوب کنگره چهارم

رژیم «ولایت فقیه» با تجاوز وسیع به حقوق زنان، و ایجاد تضییقات در عرصه های گوناگون از جمله در زمینه اشتغال، تحصیل، و حقوق فردی، ستم مضاعفی را که قرنهاست بر زنان میهن ما می رود، تشدید و وضعیت دهشتباری را به آنان تحمیل کرده است. از این رو، برنامه ریزی فوری در راه رفع این تضییقات، از جمله مهم ترین عرصه های مبارزه نیروهای مترقی و حکومت اتلافی آینده ایران است. بر این اساس حزب توده ایران خواستار:

- الفای بی درنگ همه قوانین مصوبه مغایر با شئون اجتماعی و انسانی زنان است.
- افزایش سن قانونی ازدواج برای دختران.
- الفای کلیه قوانین مربوط به جدا سازی جنسی، و الفای تمامی محدودیت های قانونی که رژیم بر سر راه تحصیل، کار، ورزش و هنر زنان ایجاد کرده است.
- تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید و اداره امور کشور از طریق وضع قوانین مشخص در پیش بردن چنین امری در جامعه.
- تضمین قانونی برابری حقوق زن و مرد در تمامی زمینه ها همچون اشتغال، انتخاب آزادانه همسر، طلاق، برخورداری از ارث، سرپرستی فرزندان، شهادت در برابر دادگاه، قضاوت و جز آن است.
- پرداخت دستمزد مساوی به زنان و مردان، در مقابل کار مساوی.

زنان ستم کشیده و پیکارجوی ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن هشتم مارس، روز جهانی زن، روز تجدید عهد با آرمان های رهایی زنان از یوغ ستم جنسی و طبقاتی، و روز همبستگی رزمجویانه زنان جهان را به شما زنان آگاه و مبارز میهن ما و تمام زنان مترقی سراسر جهان تبریک می گوید، و برای همه زنان مبارز و ستم دیده کشورمان که در بندهای استبداد قرون وسطایی اسیرند، آزادی آرزو مند است.

امسال هشتاد و نه سال از نخستین برگزاری این روز می گذرد. طی این سال ها، زنان سراسر جهان برای دستیابی به حقوق خود، راه و مبارزه دشوار و غرور آفرینی را پشت سر گذاشته اند. دستیابی به حق رای، حق شرکت در سرنوشت سیاسی و اجتماعی، حق تشکل، و از همه مهم تر، گام های عملی در راه حصول استقلال اقتصادی - اجتماعی و رها شدن از بندهای پوسیده قوانین ضد مردمی که به زن به عنوان کالای نگرده، بخشی از مبارزه دشوار و عظیمی است که زنان و نیروهای مترقی جهان به پیش برده اند، و به دستاوردهای مهمی نیز نایل شده اند. مبارزه زنان ایرانی برای نیل به حقوق خود نیز تاریخی دیرینه دارد. از انتشار نخستین مجله زنان و نخستین تشکل های صنفی - سیاسی زنان میهن ما، دهه هاست که می گذرد. حزب توده ایران افتخار می کند که نخستین حزب سیاسی کشور ما است که پرچم مبارزه در راه حقوق زنان را به اهتزاز درآورد، و در طول بیش از پنجاه و هفت سال پیکار پیگیر و خستگی ناپذیر، توانست تأثیر بسزایی در بردن آگاهی به درون جامعه و سازمان دهی زنان مبارز برجای گذارد. زنان مبارز توده ای، خصوصاً در دهه های اخیر، نقش ویژه ای در مبارزات زنان کشور داشته اند. پیکار قهرمانانه زنان توده ای در زندان قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه»، چهره های درخشان و فراموش ناشدنی همچون رفیق شهید فاطمه مدرسی (سیمین فردین) که با وجود شکنجه های وحشیانه قهرمانانه تا دم مرگ ایستادگی کرد و از اعتقاد خود روی بر نگرداند، از جمله برگ های زرینی از رزم زنان توده ای است که امروز نیز در گوشه و کنار کشور ادامه دارد.

زنان مبارز ایران!

در بیست سالگی انقلاب بهمن ۵۷، که شما نقش مهم و تعیین کننده ای در آن ایفا کردید، بار دیگر در شرایطی به استقبال این روز فرخنده می روید و آن را در محافل کوچک و بزرگ خود در گوشه و کنار کشور جشن می گیرید که هنوز هیچ یک از خواست های برحق تان برای دستیابی به حقوق برابر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحقق نیافته است. رژیم قرون وسطایی حاکم، از همان فردای انقلاب، مجموعه ای از قوانین و لوایح ضد حقوق انسانی شما را به تصویب رساند، و تلاش کرد تا عملاً و «قانوناً» زنان را به شهروندان درجه دوم تبدیل کند. آخرین نمونه های حرکت های زن ستیزانه را می توان در تصویب لایحه «جدا سازی جنسی خدمات درمانی»، و استفاده ابزاری از زن، توسط مجلس ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه» مشاهده کرد. با وجود همه فشارها و تضییقاتی که بر زنان میهن ما در بیست سال گذشته اعمال شده است، مبارزه زنان آزاده دمی متوقف نگردیده است. مبارزه زنان برای حقوق مدنی، خود در دوسال گذشته، اوج تازه ای یافته است. شرکت فعال زنان در مبارزه سیاسی، نقش تعیین کننده زنان در شکست نامزد «ذوب در ولایت»، در جریان انتخابات تاریخی دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، و نقش روز افزون حرکت های مستقل زنان در روند تحولات کشور، ایجاد ده ها تشکل صنفی مستقل، و نقش روز افزون زنان در جنبش دانشجویی و همچنین پیکار زنان کارگر، دوشادوش مردان کارگر، گوشه هایی از حرکت مصممانه و وسیع زنان میهن ما برای مقابله با ترندهای ارتجاعی است. شرکت فعال زنان در انتخابات شوراها، و پیروزی های چشمگیری که زنان در این عرصه به دست آورده اند، از جمله دیگر عرصه های مهم پیکار زنان میهن ما در راه آزادی است.

تجربه پیکار بیست ساله زنان میهن ما بر ضد استبداد حاکم، بر ضد جهل و خرافه و اندیشه های قرون وسطایی، که زنان را «نیمه انسان» محسوب می کند، بخش مهم و جدایی ناپذیری از مبارزات رهایی بخش خلق های میهن ماست. در کشوری که زنان آزاد نباشند، آزادی نیز وجود ندارد. مبارزه برای تحقق حقوق زنان، تنها به زنان جامعه ما محدود نمی شود، بلکه مردان آزاد اندیش و تمامی نیروهای مترقی و پیشرو جامعه نیز بخش جدایی ناپذیری از این مبارزه اند. امروز زنان و مردان ایرانی، در شرایطی فوق العاده دشوار و طاقت فرسا، به مبارزه خود ادامه می دهند. فقر، محرومیت، بیکاری و بی آینده گی، وضعیت بسیار ناهنجاری را برای جوانان ایرانی، خصوصاً زنان جوان ایجاد کرده است. فشارهای سخت و کمر شکن اقتصادی، ناهنجاری های اجتماعی زائیده این وضعیت، از جمله فساد اداری و اجتماعی و نبود برنامه ریزی مرکزی برای رهایی میهن از بحران تعمیق یافته کنونی، در مجموع، اوضاع بسیار پیچیده و دشواری را برای نسل کنونی و

به یاد افسران دلاور توده ای

پانزده سال از جنایات سران رژیم مرتجع و ضد مردمی «ولایت فقیه» بر ضد افسران آزادی خواه، مبارز توده ای ارتش ایران و کادری که بر جسته حزب ما می گذرد. پانزده سال پیش، در بیدادگاه نظامی رژیم، به سردمداری ری شهری جنایتکار، ده افسر و کادری که در حزب ما، فاتحان جبهه های جنگ ایران و عراق، فرماندهان دلاور ارتش ایران، به جرم آزاد اندیشی و دفاع از حقانیت تاریخی طبقه کارگر ایران و آرمان های والایش، محاکمه شدند تا رژیم خائن به انقلاب بهمین و آرمان های مردمی آن با فراغ بیشتر به حیات ضد مردمی خود ادامه دهد. شهادت دلاورانه ده مبارز پر شور توده ای، رفقای شهید ناخدا دکتر بهرام افضلی، فرمانده

نیروی دریایی، سرهنگ هوشنگ عطاریان، متخصص امور نظامی، مشاور وزیر دفاع و قهرمان نبردهای جبهه غرب در مرحله اول جنگ، سرهنگ بیژن کبیری، فرمانده نامدار ارتش، فاتح نبردهای آبادان و خرمشهر، سرهنگ حسن آذرفر، استاد دانشکده افسری و کارشناس برجسته امور حقوقی و قضایی ارتش، شاهرخ جهانگیری، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب از پایه گذاران سازمان حزبی نوید و نیز کادری که قهرمان و دلیر حزب، رفقا فرزاد جهاد، رضا خاضعی، ابوالفضل بهرامی نژاد و خسرو لطفی،

ادامه در صفحه ۳

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت بیست و هشتمین سالروز تأسیس سازمان فدائیان خلق ایران

به مناسبت بیست و هشتمین سالروز تأسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، جشنی از سوی شورای مرکزی این سازمان در آلمان برگزار شد. به دعوت شورای مرکزی سازمان، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در این جشن حضور یافته و در سخنرانی کوتاهی، پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران را به استماع شرکت کنندگان در جشن رساند. متن به شرح زیر است:

«رفقای گرامی! کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین شادباش های خود را به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد پایه گذاری جنبش فدائیان خلق، به شما اعضا، هواداران و دوستداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت تقدیم می دارد و در بیکارتان برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در میهن، موفقیت آرزو می کند. جشن سالگرد جنبش فدائیان، همچنین فرصتی است برای گرامیداشت آرمان های شریف بنیانگذاران سازمان شما که برای دموکراسی و سوسیالیسم و در راه منافع طبقه کارگر رزمیدند.

رفقای گرامی!

بیست و هشتمین سالگرد تأسیس جنبش فدائیان خلق، همزمان با بیست و هشتمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ است که در روند آن فعالان و اعضا حزب ما و سازمان شما، همدوش با هواداران دیگر نیروهای خلقی، منشا فداکاری ها و جانفشانی های بیدریغی بودند. انقلاب ملی و دموکراتیک بهمین، با وجود توان عظیم آن برای ایجاد تحول پایه ای در شرایط زندگی مردم و زحمتکشان، به دلیل ضعف شرایط ذهنی و فقدان یک آلترناتیو دموکراتیک قدرتمند، عدم تحقق اتحاد نیروهای خلقی و توطئه های نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی، نتوانست به شعارهای اساسی خود جامعه عمل ببوشاند. شکست انقلاب بهمین در بطن خود، درس های فراوانی را برای جنبش چپ و طرفداران سوسیالیسم در کشور ما به همراه داشته است، که از مهم ترین آنها لزوم اتحاد نیروهای مردمی در جبهه ملی متحد، و نیز پاسداری از جنبه های دموکراتیک و آزادی خواهانه انقلاب همچون چشم اسفندیار آن است.

توده های محروم، با اتکاء بر تجربه بیست ساله حکومت رژیم «ولایت فقیه» و شرایط فاجعه باری که بر میهن ما تحمیل شده است، بیش از پیش به عرصه مبارزه با رژیم کثافت می شوند، و در راه تحقق آرمان های بهمین ۱۳۵۷، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بیکار می کنند. تجربه توده ها در صحنه های گوناگون بیکار بر ضد

دگراندیش، و همچنین گروهی از طرفداران دولت خاتمی، که اسامی آنها توسط وزارت اطلاعات رژیم در اختیار موحدی ساوجی، رئیس هیأت مرکزی نظارت و نماینده تارک اندیشی و واپس گرایی، قرار گرفته بود، یورش های گروه های مسلح و نیمه مسلح به ستاد انتخاباتی نیروهای ائتلاف دوم خرداد، تهدید به مرگ نامزدهای مخالف، تیراندازی در مشهد به سمت نماینده جناح مقابل، یورش نیروهای مسلح قوه قضائیه به ستاد انتخاباتی نهضت آزادی و دستگیری چهار نفر در این ستاد، به خاک و خون کشیدن تظاهرات مردم شهرهای کرد نشین ایران و برقراری حکومت نظامی در سمنجان، در مجموع اوضاع بسیار ناآرام و نامناسبی را در آستانه برگزاری انتخابات شوراها فراهم آورده است. هدف ارتجاع و نیروهای سرکوبگر ارباب مخالفان، مردم و تحمیل اراده خود بر روند انتخابات است. باید با این نقشه شوم و ترسناک ارتجاع، با اتحاد عمل، مقابله جدی کرد و اجازه نداد انتخابات شوراها قربانی مطامع ضد مردمی و ضد ملی رژیم «ولایت فقیه» شود.

حزب توده ایران، از همان آغاز روند برگزاری انتخابات شوراها شهر و روستا، ضمن اشاره به اهمیت این شوراها و نقشی که می توانند در سرنوشت مردم میهن ما داشته باشند، همه نیروهای ملی و مترقی میهن مان را فرا خواند تا فعالانه در انتخابات شوراها شرکت کنند. مبارزه برای تحمیل خواست و اراده مردم بر ارتجاع حاکم، تلاش برای شکست دادن نمایندگان «ذوب در ولایت» و تارک اندیشی، در سراسر کشور، و نبرد برای تکرار جنبش تاریخی دوم خرداد در نفی رژیم «ولایت فقیه»، در نفی استبداد و اختناق، وظیفه حساس و خطیری است که تنها با اتحاد همه نیروهای مدافع آزادی و حقوق مردم امکان پذیر است.

حزب توده ایران، همه اعضا و هواداران حزب، و همه دوستداران آزادی و عدالت در ایران را فرامی خواند تا با حضور یکپارچه در انتخابات هفتم اسفندماه، و رأی دادن به نامزدهای مخالف استبداد و تاریخ اندیشی، نیروهای مذهبی مدافع آزادی، زنان مستقل، نمایندگان جنبش دانشجویی، نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان، در شهرهای گوناگون کشور، طرفداران ادامه استبداد و برپایی حکومت طالبان در ایران، «ولی فقیه» و انصارش را با شکست دیگری روبه رو کنند. پیروزی در انتخابات هفتم اسفندماه می تواند راه گشای تشدید مبارزه و تلاش برای درهم شکستن سد استبداد در میهن ما باشد.

مردم آگاه و مبارز ایران!

شما با رأی بیست میلیون خود در دوم خرداد ۱۳۷۶، و سپس با تحریم بیست میلیون انتخابات مجلس ارتجاعی و ضد مردمی خبرگان نشان دادید که از چه هوشیاری بالای سیاسی بی برخوردارید و مصمم اید به حرکت مستقل و پایدار خود برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی ادامه دهید. انتخابات شوراها شهر و روستا آزمون مهم و تاریخی دیگری است که ما اطمینان داریم شما از آن سربلند و پیروزمند بیرون خواهید آمد.

پیروز باد مبارزه جنبش مردمی برای طرد رژیم استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۵ اسفندماه ۱۳۷۷

کمیته مرکزی حزب توده ایران.

پیام دومین پلنوم (وسیج) کمیته مرکزی حزب توده ایران به نویسندگان، شاعران و هنرمندان، سازندگان وجدان توده ها

... تنگنای خانه ام را یافت دشمن با نگاه حيله اندوزش
وای برمن! می کند آماده بهر سینه من تیرهای
که به زهر کینه آلوده ست نیما یوشیج

خانه تان، بر ساخته از تخیل و اندیشه آفرینشگران، دل مردمان تان بوده است، و «دنیا خانه» تان بوده است و خانه تان دنیایی بوده است، و در «سرا» های «بی کسی» «دشت پرملال» میهن به غارت رفته مان گرما و روشنایی را شمایان از ذرات حقیقت روزمره زندگی مردمان تان فراهم آورده اید. «دشمن با نگاه حيله اندوزش» از گرایشات خاص سیاسی تان «تیرهایی که به زهر کینه آلوده» بود «بهر سینه» تان «آماده» ساخت، و بی شرمانه به مزدوری متهم تان کرد. پس از بیانیه «ما نویسنده ایم» و تأکید بر آنچه که واقعاً چنان بودید، یعنی مستقل و معمار اندیشه و تخیل خود خویش تان، حضارت سوزان آنان، که از سموم مرداب جهل و خرافه و واپس گرایی دیربا بر می آمد، برانگیخته شد و نفس را در سینه شان تنگ انداخت. مطلب آن نبود که به ظاهر می نمود، و از این ریاورزان دیرینه پا و زهد فروشان حرفه ای دور از انتظار نبود. مطلب از این قرار است که خانه آفرینش شما دل مردمان تان بوده است، دلی که از دیر باز جایی برای مبتذلات خرافه پردازان و عوام فریبان نداشته است. بر آن شدند تا خانه تان را ویران سازند که سراج جان مردم حقیقت جو و به تنگ آمده از شب تیره و طولانی استبداد بوده است. در کمین گاه با خنجرهای «به زهر کینه آلوده» خائنه خزیده اند، راه های روشن و آفتابی را که می سپرده اید، بریده اند و دشته ها را فرود آورده اند. مستأصل از بی آیندگی خود، که سرنوشت همیشه و همه جباران بوده است، چاره را در کشتن حقیقت و زیبایی، که شما منادیان آن بوده اید، دیدند و می بینند. اما حقیقت و زیبایی نمی سترگ تر، از خون های پاک تان روینده است، و دژخیمان شیرو بر آستانه جنایت، خود را سینه به سینه مردم حقیقت جو، خروشان و به جان آمده از ستم دیده اند. اینک دست انتقام از قتل سخن و بیان، هنر و آفرینش گری آزاد، از آستین توده ها برآمده است، و این، در میهن فردوسی ها، حافظ ها و مولوی ها - اسلاف انسان پرور و مردم دوست هنرمندان، شاعران و نویسندگان میهن ما دور از انتظار نبود. اگرچه هنوز دانگی از خروسخوان صبح گاه انقلاب نگذشته بود، چندانکه خورشید رهایی از شرق انقلاب برآید، و جان های منتظر را گرما بخشد، کسوفی دیربا بر چهره خورشید تقاب افکند. اگرچه چکاوک اندیشه و سخن و هنر، این نغمه سرای دشت های سبز آینده، منقار در بال کشید، و دندان های سخن خوار سانسور در دهان عفن خرافه و واپس گرایی، اندیشه های زیبا و مردمی را جویند، اگرچه سخنوران، هنرمندان و متفکران مردم گرا با تمهیدات گوناگون به بند کشیده شدند، به زیر شکنجه رفتند، به قتل رسیده یا به سکوت واداشته شدند، اما هر روزی جلوه می پر شکوه تر از روز پیش در عرصه مبارزه برای آزادی بیان تجلی می یابد که در غریب توده های حقیقت جو به اوج می رسد. قلم هاتان درکار، زبان ها تان گویا و هنرتان برابر باد.

دومین پلنوم (وسیج) کمیته مرکزی حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۷۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون یورش جنایتکارانه مزدوران رژیم به مردم شهرهای گرد نشین ایران

هم میهنان عزیز!

باردیگر گزمگان تاریک اندیشی، ظلم و استبداد با یورش به مردم بی دفاع شهرهای گردنشین میهن ما مرتکب جنایت تکان دهنده دیگری شدند. یورش مزدوران مسلح رژیم «ولایت فقیه» به تظاهرات مردم شهرهای سنج، مهاباد، بوکان، اشویه، سقز و کامیاران، دهها کشته، و صدها زخمی برجای گذاشت و صدها تن نیز توسط مأموران امنیتی رژیم دستگیر شدند. در سنج تظاهرات ده ها هزار نفری مردم که از نقاط مختلف شهر آغاز و به طرف میدان آزادی این شهر به حرکت درآمد، اگرچه در آغاز در اعتراض به ربودن عبدالله اوچلان صورت گرفت ولی خیلی زود به تظاهرات مردم بر ضد رژیم استبدادی «ولایت فقیه» تبدیل شد و مردم خشمگین، که در میان آنها شمار زیادی از دانشجویان، کارگران و زحمتکشان سنج دیده می شدند، با یورش به خودروهای نیروهای نظامی و ساختمان های دولتی، از جمله استانداری این شهر و سازمان تبلیغات ارشاد اسلامی، نفرت عمیق خود را از ادامه سرکوب و اختناق رژیم حاکم اعلام کردند. در شهرهای دیگر، از جمله کامیاران، مریوان و اشویه نیز هزاران تن از مردم در تظاهرات بی سابقه بی باک «مرگ بر رژیم و سران آن» به خیابان ها ریختند. حرکت های اعتراضی اخیر در کردستان ایران، در پی یورش وحشیانه پاسداران رژیم به تظاهرات مردم در رضایه و ارومیه و کشتن سه جوان آغاز شد و با وجود اعلام حکومت نظامی در سنج و شماری از شهرهای گردنشین ایران همچنان ادامه دارد.

حزب توده ایران ضمن ابراز همدردی عمیق با خلق گرد و مردم شهرهای گرد نشین ایران، یورش جنایتکارانه مزدوران رژیم به تظاهرات مردم این مناطق را به شدت محکوم می کند و از همه نیروهای مترقی و آزادی خواه ایران و جهان می خواهد تا صدای اعتراض خود را بر ضد جنایات رژیم بلند کنند. حزب توده ایران همچنین هم صدا با نیروهای مترقی خلق گرد، از جمله حزب دموکرات کردستان ایران، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط صدها تن از مردم آزادی خواه این نواحی است که توسط گزمگان رژیم «ولایت فقیه» دستگیر شده اند و از سرنوشت آنان خبری در دست نیست.

بحران عمیق و همه جانبه بی باک رژیم «ولایت فقیه» را در بر گرفته است، هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد و جنبش مردمی بیش از پیش آماده است تا در صحنه های گوناگون با ارتجاع حاکم درگیر شود. اتحاد عمل نیروهای ملی و مترقی با شعار های واحد برای استقرار آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ضد مردمی و ضد ملی «ولایت فقیه»، ضرورت تأخیر ناپذیری است که هرچه سریع تر می باید آن را تحقق بخشید. ایران در آستانه تحولات بزرگ قرار گرفته است و این نیروی عظیم مردمی حاضر در صحنه است که در تحلیل آخر سرنوشت نهایی تحولات آینده میهن ما را رقم خواهد زد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۴ اسفندماه ۱۳۷۷

2 March 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
شماره حساب
کد بانک
بانک
IRAN e. V.
790020580
10050000
Berliner Sparkasse

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:552

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm



وزارت اطلاعات برای سرکوب

روزنامه خرداد در مورد معرفی جدید وزیر اطلاعات و گرفتن رای اعتماد از مجلس نوشته «رای اعتماد مجلس گرفته شد برای جلب اعتماد مردم چه باید کرد؟» خرداد در بررسی وظایف وزارت اطلاعات از جمله می نویسد: «نکته مهمی که شاید از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، چندان مورد توجه قرار نگرفته، موضوع تطبیق ساختار ماموریت است. خرداد ضمن اشاره به ساواک شاه و اینکه این دستگاه برای سرکوب ندای آزادی خواهانه ملت بود می نویسد: «... در راستای بازسازی ساختار وزارت اطلاعات به نحوی که این وزارت، حافظ امنیت کشور در مقابل نفوذ بیگانگان باشد و در عین حال از احتمال تجاوز به حقوق مردم جلوگیری شود، بهترین چراغ راه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. نکته بسیار مهم و حیاتی این است که بخش وسیعی از فعالیت وزارت اطلاعات باید اختصاص به طراحی و پیاده سازی تدابیر لازم در مقابل تهدیدات خارجی داشته باشد. اگر اصول برشمرده فوق و هدف مقابله با تهدیدات خارجی را خط مشی خود قرار دهیم قادر خواهیم شد که با حوصله و تدبیر، وزارت اطلاعاتی را سازمان دهیم که هم مجری ماموریت اصلی خود در ایجاد دیوار امنیتی محکم در مقابل نفوذ بیگانگان باشد و هم در زندگی شهروندان دخالت نکند.» مطالب مندرج در خرداد که به مدیریت عبدالله نوری از مشاوران بسیار نزدیک رئیس جمهوری انتشار می یابد، از دید خود دست اندرکاران رژیم نیز، موبداین نکته است که برخلاف اظهار نظرهای مردم قریب سران رژیم «ولایت فقیه»، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در طول بیست سال گذشته همانند ساواک شاهنشاهی و ظیفه ای جز سرکوب، ترور نیروهای مترقی و کشتار گرانديشان نداشته است.

د بیانیة آقای منتظری بر خلاف امنیت ملی،
روزنام رسالت از قول فلاحیان، وزیر اطلاعات سابق، که یکی از طراحان اصلی ترورهای نیروهای مترقی و ضد رژیم «ولایت فقیه» بود در همین ارتباط در جریان دادگاه میگویند که جرم ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران محکوم شد، درباره عملکرد عبدالله نوری و روزنامه خرداد در احیای آقای منتظری نوشت: «نظر امام این بود که آقای منتظری نباید در سیاست دخالت کند لذا زمانی که امام دستور عزل آقای منتظری را دادند عبدالله نوری خیلی تند برخورد کرد و دیوارهای منزل ایشان را خراب کرد در حالی که در حال حاضر رفتاری مغایر با عملکرد گذشته خود دارد. این گونه به نظر میرسد که آقای

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها
از برنامه حزب توده ایران، مصوب کنفره چهارم

- حزب توده ایران، خواهان تشکیل حکومتی بر اساس اتحاد داوطلبانه کلیه خلق های ایران، و بر مبنای احترام متقابل و حقوق برابر است.
- برای تحکیم حاکمیت ملی، دفاع از تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی، معتقد است که کشور باید دارای نیروهای مسلح دفاعی نیرومند و کارا، و نیروهای تأمین مردمی و دموکراتیک باشد.
- مخالف جدی هرگونه حکومت دین سالارانه، و خواهان جدایی کامل دین از حکومت است.
- معتقد است که کلیه ارگان های حکومت ائتلافی آینده، از پائین تا بالا، باید از سوی مردم (و یا نمایندگان آنها) و با رای مساوی انتخاب شوند، و در برابر مردم پاسخگو باشند.
- معتقد است که مجلس شورای ملی ایران، عالی ترین مرجع قدرت حکومتی است که، نمایندگان برگزیده مردم در آن شرکت می کنند. قانونگذاری، انتخاب دولت و نظارت بر اعمال آن، از وظایف مجلس است.
- خواهان تأمین استقلال دستگاه قضایی کشور، بر اساس انتخاب دموکراتیک قضات، توسط حکومت آینده و انحلال دستگاه قضایی کنونی است، که بر اساس اصل «ولایت فقیه» تنظیم گردیده است، و نیز خواهان انحلال نهادهای وابسته به آن از جمله دادگاه های انقلاب و... است.

ضمیمه

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۵۲، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۱۷ اسفند ۱۳۷۷

دادگاه «ویژه روحانیت»، دادگاه تفتیش عقاید برای دگراندیشان مذهبی
حزب توده ایران خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط دکتر کدیور و همه زندانیان سیاسی ایران است!

تولید نظام سلطنتی» نامیده است، یعنی جای سلطان مطلقه این بار با «ولی فقیه» عوض شده است ولی ماهیت رژیم همان است که بود، استبداد مطلقه و ضد مردمی. این همان نظری است که حزب ما نیز سال ها است بر آن تأکید کرده است و امروز بیش از پیش از سوی اقشار گسترده ای از نیروهای مختلف، مذهبی و غیر مذهبی، مورد پذیرش واقع گردیده است.

روزنامه کیهان، ارگان چماق داران «ولی فقیه»، دستگیری دکتر کدیور را به دلیل «توهین به امام خمینی، ضدیت با «ولایت فقیه» و دفاع از نظرات آیت الله منتظری، اعلام کرد. دکتر کدیور در مصاحبه ئی با روزنامه «صبح امروز»، که بخش هایی از آن در روزنامه اطلاعات، ۱۱ اسفندماه درج شده است، ضمن رد اتهامات واهی مزدوران اسفندماه درج شده است، ضمن رد اتهامات واهی مزدوران رژیم، طی مصاحبه ئی از جمله گفت: «س: شما چه دفاعی از خودتان کردید؟ جواب: دفاع اصلی و طولانی من به این جهت بود که از نظر من دادگاه ویژه روحانیت غیر قانونی است، لذا حق احضار و بازجویی و محاکمه کسی را ندارد» وی در ادامه همین مصاحبه در رد اتهامات مسخره مزدوران رژیم «ولایت فقیه»، می گوید: «به آقایان گفتم که در قانون جرمی به نام «تشویش اذهان» وجود ندارد. بنده هم هیچ مطلب کذبی را تاکنون نشر نداده ام، در ضمن جرمی به نام تبلیغ آیت الله منتظری و تبلیغ جدایی دین از سیاست وجود ندارد...» کدیور در رد اتهام «توهین به مقام رهبری» می گوید: «من در یک مصاحبه گفته ام برخی درصدد باز تولید نظام سلطنتی در ایرانند... اندیشه فقط با اندیشه تقویت یا تضعیف می شود و لاغیر. اندیشه در حسی به دلیل مظلومیت رشد تراکمی می یابد.» آنچه روشن است، این است که دکتر کدیور، همچون هزاران دگراندیش دیگر تنها به دلیل عقاید و ابراز این عقاید دستگیر و زندانی شده است و از این رو یک زندانی سیاسی است. در سال های اخیر، رژیم «ولایت فقیه»، هزاران انسان

ادامه در صفحه ۲

اعتراض گسترده نویسندگان، روزنامه نگاران، جوانان و دانشجویان، زنان و مردان آزادی خواه و دگراندیشان مبارز میهن ما، هم چنان، بر ضد بازداشت غیر قانونی آقای دکتر محسن کدیور ادامه دارد. احضار و سپس بازداشت دکتر کدیور، توسط دادگاه «ویژه روحانیت»، بار دیگر موضوع وجود چنین دادگاهی در جامعه و دلیل آن را در معرض قضاوت عمومی قرار داد. محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه، و از مهره های اصلی جناح «ذوب در ولایت»، تاریک اندیشی و استبداد قرون وسطایی، در نماز جمعه این هفته تهران، ضمن دفاع از دستگیری کدیور در مورد دادگاه ویژه روحانیت، با اشاره به اصول ۱۱۰ و ۱۱۲ قانون اساسی که وظایف رهبری را مشخص کرده است گفت: «بر اساس همین وظایف دادگاه ویژه روحانیت در زمان حیات امام خمینی تشکیل شد و رهبر انقلاب آن را تأیید کرده اند.»

به عبارت روشن تر تنها دلیل «قانونی» بودن چنین دادگاهی، خواست خمینی، در اوایل انقلاب و اکنون خواست خاتمه ای به عنوان «ولی فقیه» است. وجود دادگاهی به عنوان دادگاه ویژه روحانیت، از سوی دیگر، به این معناست که قوانین جاری در مملکت بر دودسته تقسیم شده اند. قوانین برای اکثریت مردم و قوانین برای روحانیت! به عبارت دیگر قشر روحانیت فرای قوانین جاری مملکتی قرار دارد و در صورت اعمال خلاف می باید توسط دادگاه ویژه ای، با قوانین ویژه محاکمه شود. چنین برداشتی همخوان با همان دیدگاه است که معتقد است، روحانیت به عنوان «نمایندگان خدا بر روی زمین»، باید اداره حکومت را در اختیار و انحصار خود داشته باشد. رژیم «ولایت فقیه»، یعنی رژیم روحانیت بر اکثریت مردم، یعنی رژیمی که مشروعیتش به خواست مردم ارتباطی ندارد و مشروعیتش را از «خدا» می گیرد و به قول اشخاصی همچون مصباح یزدی، مردم در این زمینه نمی توانند ابراز نظر مخالفی بکنند. دکتر کدیور چنین «نظامی» را «باز

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه دادگاه ویژه روحانیت ...

آزاد اندیش را به بند کشیده است، مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داده است و شمار زیادی از آنان را به دلیل پافشاری بر سر اصول و عقایدشان کشتار کرده است. در این زمینه دستگاه «قضا» ی جمهوری اسلامی پرونده ای سیاه و قطور دارد که بی شک روزی در پیشگاه خلق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. روزنامه «فردا» نیز در تأیید چنین نظری است که می نویسد: «دادسرای ویژه روحانیت، دادگستری تهران و دادستانی انقلاب، از گروه های خاصی هستند که در ادبیات سیاسی امروز کشور به نام «جنح راست» شناخته شده اند. امنیت و نظم عمومی کشور تنها در سایه حاکمیت قانون محقق می شود و قوه قضائیه مسئول اجرای قوانین در محاکم است. آنچه سه نهاد یاد شده، تابع قوه قضائیه در ۱۱ ماه گذشته [دقیق تر است بگویم ۱۸ سال گذشته] جز خدشه وارد شدن امنیت عمومی، تحدید آزادی بیان و اندیشه، اخلال در مدیریت اجرایی و ضربه زدن به اقتصاد کشور و در یک کلام برخلاف مصالح و منافع ملی نتیجه داده است؟»

گستره موج اعتراض های عمومی برضد این حرکت سرکوبگرانه مدافعان استبداد که روز پس از پیروزی بزرگ مردم در انتخابات شوراها، و شکست سنگین و خفت بار مدافعان «ذوب در ولایت»، صورت گرفت، نشانگر آن است که مزدوران ارتجاع دیگر قادر نیستند در سکوت و «آرامش» هرچه می خواهند انجام دهند. سازمان دهی برگزاری تظاهرات وسیع اعتراضی که قرار بود در نه شهر کشور انجام گیرد و در آخرین لحظات به دلیل خواهش خانواده دکتر کدیور صورت نگرفت در کنار موج اعلامیه های اعتراضی اقشار و گروه های مختلف اجتماعی، از جمله دانشجویان، نویسندگان و روزنامه نگاران نشان می دهد که مبارزه برضد استبداد و ارتجاع و عامل اصلی آن یعنی رژیم «ولایت فقیه» هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند. این بار اعتراض مشخصاً برضد «ولایت فقیه» و دادگاه ویژه ای است که او خواهان آن است و از همین رو است که مدافعان ذوب در ولایت هراسناک از بالاگرفتن دامنه این اعتراض ها نیروهای «خودی» را از ادامه این برخوردها برحذر می دارند و آنها را به دفاع از «ولایت» فرا می خوانند. همه نشانه ها و علائم حاکی از آن است که این فراخوان ها تأثیر خود را به سرعت از دست می دهد و «نظام سلطنتی - ولایت فقیه»، با انجنان بحرانی از مشروعیت روبه رو است که با اینگونه فراخوان ها تخفیف پیدا نخواهد کرد. مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی با اتکاء به نیروی عظیم مردمی، که باریگر توان خود را در زور آزمایی انتخابات هفتم اسفندماه به نمایش گذاشت، یگانه راه پایان دادن به استبداد قرون وسطایی حاکم و استقرار حاکمیت مردم بر سر نوشت شان است. پیروزی بی شک از آن آزاد اندیشی، استقلال طلبی و عدالت خواهی است که اکنون سال ها است در زندان های قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» به زنجیر کشیده شده است.

ادامه رویدادهای ایران

عبدالله نوری دچار افراط و تفریط شده است. عملکرد روزنامه خرداد برخلاف مصوبه شورای امنیت ملی است چرا که این شورا درج بیانیه های آقای منتظری را خلاف امنیت ملی می داند. اینکه آقای مهاجرانی می گوید مصوبه شورای امنیت ملی به من ابلاغ نشده است صرفاً یک بهانه است و ایشان باید با آقای عبدالله نوری برخورد کند.

دنفوذ غیر خودی ها در خودی ها

روزنامه کیهان طی سرمقاله خود در روز بعد از انتخابات ضمن اشاره به اینکه محافل خارجی و رسانه های خارجی در پی القا این توهم بودند که جمهوری اسلامی با برگزاری این انتخابات قصد تجدید نظر در اصول و مبانی انقلاب را دارد می نویسد: «اما متأسفانه در این میان، برخی از افراد گروه های داخلی که از یک طرف، در صداقت عده ای از آنها جای تردیدی نیست و از سوی دیگر، در نفوذ غیر خودی ها وابسته به دشمنان در میان آنان نیز نمی توان تردید داشت، با همان ساز بر صدای بیگانگان هم نوا و دمساز شدند تا آنجا که روز قبل از انتخابات، یکی از همین گروه ها بابت انصافی و نادیده گرفتن تمامی دست آوردهای عظیم انقلاب اسلامی طی ۲۰ سال گذشته، باتیتر درشت در صفحه اول روزنامه خود نوشت که فردا مردم برای استیغای حقوق ۲۰ ساله خود پای صندوق های روند!! این گونه برخورد ها، که نه فقط پوشیدن پرواقعیات غیر قابل انکار، بلکه نادیده گرفتن قوانین آشکار می باشد در آنها می توان به حساب غریبه هایی نوشت که در میان برخی از خودی ها نفوذ کرده اند و از زبان و قلم و رسانه آنها علیه خون داده ها و خون دل خورده هاویه نفع دشمنان تابلودار بهره می گیرند.»

مبارزه مسالمت آمیز مردم و قدرت طلبان

روزنامه جهان اسلام درباره انتخابات شورا های شهر و روستا و نتایج آن و بحث قدرت و قدرت طلبی می نویسد: «بحث اصلی تر آن است که افکار عمومی انحصار طلبی در قدرت و اعمال خشونت آمیزان را رد کرده است. البته این رد کردن به شیوه خاص متناسب با فرهنگ مسالمت جوینان اسلامی - ملی است. اما اگر قدرت این بازی مسالمت جوینان را به رسمیت نشناسد، هیچ تضمین عملی وجود نخواهد داشت که برای همیشه این قواعد بازی به صورت یک طرفه از طرف مردم محترم شمرده شود و حاکمیت جناحی بتواند با بهره گیری از ابزار قدرت حرف خود را بزند و راه خودش را برود. نتایج انتخابات شورا علی القاعده دامنه قدرت طلبی ها، بدون پشتوانه مردم را محدود و شرایط را برای همدلی در بعد ملی مساعد می سازد. آن بخش از قدرت که خود را در مقام قیم مردم یافته است و وفادار به هندسه رمه داری است، که در حال زمان آن گذشته است، اگر بیام هفتم اسفند را همچون دوم خرداد در نیاید نه تنها خود بازنده بازی فریبنده قدرت خواهد بود بلکه کشور و نظام را با مشکلی و روبرو خواهد ساخت که خروج از آن به سادگی الان نخواهد بود.»

دیدگاه های مغایر فقه و علل دستگیری دکتر محسن کدیور

دستگیری و بازداشت دکتر محسن کدیور به دلیل تقطع نظرانی که در آن «ولایت فقیه» را زیر سوال برده است، بازتاب گسترده ای در خارج و داخل کشور داشت. رسالت در این باره می نویسد: «سخن بر سر دیدگاهها و دست آوردهای وی بسیار است اما چکیده و خلاصه دستاوردهای علمی کدیور در حوزه بوده است! دستاوردی که رو در روی دستاوردهای عظیم حوزه های علمیه در باب فلسفه سیاسی اسلام ایستاده است. دیدگاه هایی که مغایر دیدگاه های علمای و فقه های متقدم و متاخر حوزه های علمیه است. نظریاتی که مغایر نظریات امام خمینی و برای قاطع ملت ایران در رای به قانون اساسی در دو فرادندوم بوده است. آقای کدیور سالهاست این مطالب را در سر کلاس های دانشگاه تدریس می کند، حتی دانشگاهی مثل دانشگاه امام صادق، اشکالی هم نیست! دیدگاه است. نظریه است، کسی هم معترض او نیست، امام مدتی است این دیدگاه ها از لایه لایه بحث ها و بیگومگوهای علمی در دانشگاه و حوزه که چه بسا ضروری هم باشد، به جایگاه تبلیغ و ترویج در روزنامه ها و مجلات و حتی روزنامه های دولتی ارتقا یافته است. حتی وی طاقث از کف نهاده، در القای نظر خود گاهی راه اهانت هم گزیده است.»

جامعه مدنی یعنی بازگشت به اسلام

مصباح یزدی، یکی از نظریه پردازان رژیم «ولایت فقیه» طی سخنانی در نماز جمعه تهران در مورد جامعه مدنی اظهار داشت: «جامعه مدنی از اسلام نشأت گرفته و علت دور شدن از جامعه مدنی اسلامی، دور شدن ما از اسلام است.» او افزود: «جامعه مدنی ارمانان اسلام و بیا میراست و غرب، جامعه مدنی را از اسلام گرفته است.» وی تأکید کرد «باید به اسلام برگردیم تا جامعه مدنی داشته باشیم. جامعه مدنی به این معنی نیست که فردی با ادیان و گرایش های مختلف بتواند پست مهم کشور را در دست گیرد بلکه در جامعه اسلامی کافر نمی تواند بر مسلمان مسلط شود.» وی افزود: غربی ها جامعه ای را که در آن دین حاکم نباشد، جامعه مدنی می دانند، اما برخلاف جامعه مدنی غرب، و آگذاری مقام، در نظام اسلامی بین مذاهب و گروه ها مساوی نیست و ما هرگز اجازه نخواهیم داد یهودیان و صهیونیست ها پست های مهم کشور را تصاحب کنند و صهیونیست ها باید این آرزو را به گور ببرند... همه انسانها در انسانیت مساویند و ما در لوازم و فضایل انسانی برابر نیستند.»

کانون نویسندگان و آغاز فعالیت مجدد

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، کانون نویسندگان ایران که هفده سال پیش سرکوب و تعطیل گردیده بود احیای مجدد خود را اعلام کرد. بر اساس همین گزارش ها عده ای از نویسندگان و شاعران برجسته، از جمله هوشنگ گلشیری، علی اشرف درویشیان، شیرین عبادی و کاظم کردوانی، اعضای اصلی دبیرخانه کانون و مهر انگیز کار، لاهیجی، کاوه گوهرین، ایرج کابلی و بیگی اعضای علی البدل آن را تشکیل می دهند. کیهان ایران، ضمن اعتراض شدید به تشکیل مجدد کانون، اعضای دبیرخانه آن را مجرمین سیاسی خواند که هنوز محاکمه نشده اند.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
Supplement to Nameh Mardom-NO:552
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

10 March 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک